

بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه:

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی

موضوع پژوهش:

بررسی و مقایسه سبک تفکر دانش آموزان پسر دبیرستانی نابینا، ناشنوا و عادی شهر تهران

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر پرویز شریفی درآمدی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر یحیی مهاجر

استاد داور:

سرکار خانم دکتر شهلا پزشکی

دانشجو:

کوروش پراک

دی ۱۳۹۱

تقديم به :

خانواده

عزیزم که با زحمات فراوان و
بی دریغشان امکان حصول به این
توفیق را برایم میسر ساختند...

من لم یشکر المخلوق لم یشکر
الخالق

تقدیر و تشکر:

بدون شک انجام پژوهش و نگارش پایان نامه حاضر، بدون همیاری و کمک استادان محترم میسر نمی گردید. اینک که با بهره مندی از الطاف الهی نگارش پایان نامه به پایان رسیده است، شایسته است که، مراتب قدرشناسی و تشکر خود را از اساتید فرزانه دکتر پرویز شریفی درآمدی و دکتر یحیی مهاجر که زحمت راهنمایی و مشاورت این پژوهش را عهده دار شدند و همچنین سرکار خانم دکتر شهلا پزشکی که زحمت مطالعه و داوری این پژوهش را بر عهده گرفتند، کمال قدر دانی و تشکر را دارم و از خداوند منان آرزوی سلامتی و سر بلندی را، برای ایشان خواستارم.

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی و مقایسه سبک تفکر دانش آموزان پسر دبیرستانی نابینا و ناشنوای شهر تهران در سال تحصیلی ۹۱ - ۹۰ می باشد. برای این منظور با استفاده از نمونه گیری خوشه ای دانش آموزان نابینا از مدارس محبی و خزائی، دانش آموزان ناشنوا از مدارس سید جمال و اندیشه و دانش آموزان عادی از مدارس مطهری و علمیه انتخاب شدند. روش انجام پژوهش، روش زمینه یابی است. برای جمع آوری اطلاعات از

پرسشنامه سبک تفکر استرنبرگ و واگنر (۱۹۹۲)، استفاده شد. این پرسشنامه از ۱۳ خرده آزمون تشکیل شده است و هر خرده آزمون دارای ۸ سوال است که سبک تفکر را اندازه می گیرد. نمره گذاری آن به صورت مقیاس ۷ درجه ای (همیشه - اصلاً) می باشد. دامنه ضریب پایایی این پرسشنامه بین ۰/۴۰ تا ۰/۸۰ می باشد. اعتبار درونی این پرسشنامه که از طریق تجزیه و تحلیل واریانس ضریب همبستگی پیرسون به دست آمده است حدوداً ۰/۸۰ واریانس داده ها را تبیین می کند. در این پژوهش تنها کارکردهای سبک تفکر (قضاوتگر، قضایی و اجرایی) مورد بررسی قرار گرفت. در مجموع ۹۰ پرسشنامه جمع آوری گردید. با استفاده از آمار توصیفی، درصد، فراوانی، میانگین و انحراف از استاندارد آنها محاسبه شد و برای مقایسه گروه های مختلف از روش تجزیه و تحلیل واریانس تک متغیره و چند متغیره استفاده شد.

نتایج پژوهش حاضر نشان دادند که دانش آموزان نابینا و ناشنوا از نظر سبک تفکر (به صورت کلی)، و همچنین در سه کارکرد سبک تفکر (قانون گذار، اجرایی و قضاوتگر)، با هم تفاوت دارند. همچنین داده ها نشان دادند که کودکان عادی از لحاظ سه کارکرد سبک تفکر با کودکان ناشنوا و از نظر سبک تفکر قضایی با کودکان نابینا تفاوت دارند. یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که معلولیت افراد از لحاظ بینایی، شنوایی، حرکتی و... بر سبک تفکر این افراد تأثیر می گذارد و این نشان می دهد که باید با آنها برخورد متفاوتی (از نظر آموزشی، شغلی و...) نسبت به افراد عادی داشته باشیم. ضرایب اتا نیز نشان می دهند که ۱۸ درصد از میزان واریانس معلولیت توسط سبک تفکر قانون گذار، ۲۱ درصد توسط سبک اجرایی و ۲۳ درصد توسط سبک تفکر قضایی تبیین می شود.

واژگان کلیدی: سبک تفکر، نابینا، ناشنوا، عادی

عنوان

فصل اول: کلیات پژوهش.....	۵
مقدمه	۲
بیان مساله	۴
اهمیت و ضرورت.....	۷
اهداف تحقیق.....	۷
هدف کلی:	۷
اهداف جزئی:	۸
سوالات تحقیق:	۸
سوال اصلی:	۸
سوالات فرعی:	۸
تعریف مفاهیم تحقیق.....	۹
تعاریف نظری.....	۹
فصل دوم: پیشینه تحقیق.....	۱۳
مقدمه	۱۴
سبک های یادگیری، شناختی و تفکر.....	۱۶
سبک های تفکر.....	۱۷
ماهیت سبک های تفکر: سبک های تفکر چه هستند و چرا به آنها نیاز داریم؟.....	۱۷
ضرورت نظریه خودگردانی ذهنی.....	۱۸
کنش های خودگردانی ذهنی.....	۱۸
انواع خودگردانی ذهنی.....	۲۱
سطوح، حیطه ها و تمایلات خود کنترلی ذهنی.....	۲۳
اصول سبک های تفکر.....	۲۶
متغیر های مؤثر در شکل گیری سبک های تفکر:	۳۱
۱- فرهنگ:	۳۱
۲- جنسیت:	۳۳
۳- سن:	۳۳
۴- سبک های تفکر والدین:	۳۴
۵- مدرسه و شغل:	۳۴
نابینایی.....	۳۵
تعریف و طبقه بندی معلولیت بینایی.....	۳۵

۳۷	شیوع.....
۳۸	تحول شناختی.....
۴۱	تحول مفهوم.....
۴۲	تحول زبان.....
۴۷	تجسم فضایی.....
۴۷	۱- نظریه کاستی.....
۴۷	۲- نظریه عدم کارایی.....
۴۷	۳- نظریه تفاوت.....
۵۰	تحول مهارت های حرکتی.....
۵۰	معلولیت بینایی و تحول مهارت های حرکتی.....
۵۲	ناشنوایی.....
۵۲	کاستی شنوایی.....
۵۴	شیوع.....
۵۴	رشد شناخت.....
۵۶	تفکر منوط به زبان است.....
۵۶	تفکر منوط به زبان نیست.....
۵۷	افراد آسیب دیده شنوایی یک زبان حقیقی دارند.....
۵۷	پیشرفت تحصیلی.....
۵۸	سازگاری اجتماعی.....
۶۰	پیشینه مطالعاتی پژوهش.....
۶۱	تحقیقات انجام شده در داخل کشور.....
۶۴	تحقیقات انجام شده در خارج از کشور.....
۶۹	فصل سوم: روش شناسی تحقیق.....
۷۰	مقدمه.....
۷۰	روش انجام تحقیق.....
۷۱	جامعه آماری.....
۷۱	گروه نمونه و شیوه گزینش آن.....
۷۲	ابزار تحقیق.....
۷۲	پایایی و روایی پرسشنامه.....
۷۳	روش اجرای تحقیق.....
۷۳	روش تجزیه و تحلیل داده ها:.....
۷۴	فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها.....
۷۵	مقدمه.....

اطلاعات توصیفی:	۷۵
آماره توصیفی سبک های تفکر:	۷۷
آماره توصیفی سبک تفکر دانش آموزان نابینا:	۷۸
آماره توصیفی سبک تفکر دانش آموزان ناشنوا:	۷۹
آماره توصیفی سبک تفکر دانش آموزان عادی:	۸۰
توزیع نمرات کلی آزمون سبک تفکر در سه گروه نابینا، ناشنوا و عادی:	۸۱
بررسی سؤالات پژوهش:	۸۲
سوال اصلی:	۸۲
سوال فرعی:	۸۴
آزمون همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش:	۸۵
فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری:	۹۶
مقدمه:	۹۷
سوال پژوهش عبارتند از:	۹۸
سوال اصلی:	۹۸
سوال فرعی:	۹۹
بحث و نتیجه گیری:	۱۰۵
عمده ترین نتایج حاصل از این پژوهش عبارتند از:	۱۰۵
محدودیت های پژوهش:	۱۰۶
محدودیت های در اختیار پژوهشگر:	۱۰۶
محدودیت های خارج از کنترل پژوهشگر:	۱۰۷
پیشنهاد های پژوهش:	۱۰۷
پیشنهاد های نظری:	۱۰۷
پیشنهاد های کاربردی:	۱۰۸
فهرست منابع:	۱۰۹
منابع:	۱۱۰
منابع داخلی:	۱۱۰
منابع لاتین:	۱۱۲
پیوست ها:	۱۱۴

فهرست جداول و نمودارها

جدول ۱-۴ آماره توصیفی سبک های تفکر:	۷۷
-------------------------------------	----

جدول ۲-۴ آماره توصیفی سبک تفکر دانش آموزان نابینا: ۷۸
جدول ۳-۴ آماره توصیفی سبک تفکر دانش آموزان ناشنوا: ۷۹
جدول ۴-۴: آماره توصیفی سبک تفکر دانش آموزان عادی: ۸۰
جدول ۵ - ۴: توزیع نمرات کلی آزمون سبک تفکر در سه گروه نابینا، ناشنوا و
عادی: ۸۱

جدول ۶-۴: آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس
ها: 82

جدول ۷-۴: نتایج آزمون توکی سبک تفکر دانش آموزان نابینا، ناشنوا و
عادی: 83

جدول ۸-۴: آزمون همبستگی پیرسون متغیرهای
پژوهش: 85

جدول ۹-۴: آزمون باکس جهت بررسی همگنی واریانس -
کوواریانس: 86

جدول ۱۰-۴: آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس
ها: 87

جدول ۱۱-۴: آزمون بین ویژگی جسمانی و سبک
تفکر: 88

جدول ۱۲-۴: نتایج آزمون توکی سبک تفکر دانش آموزان نابینا، ناشنوا و
عادی: 89

نمودار شماره ۱-۴: اطلاعات مربوط به تعداد شرکت
کنندگان: 75

نمودار شماره ۲-۴: نحوه توزیع دانش آموزان در مدارس نابینایان، ناشنوایان
و عادی: 76

نمودار شماره ۳ - ۴ : مقایسه سبک تفکر قانون گذاری در سه
گروه: 93

نمودار شماره ۴ - ۴: مقایسه سبک تفکر اجرایی در سه
گروه: 94

نمودار شماره ۵ - ۴: مقایسه سبک تفکر قضایی در سه
گروه: 95

فصل اول: کلیات پژوهش

مقدمه

ویژگی اساسی انسان برخوردار از قدرت تفکر است. انسان ها به کمک فکر خود توانسته اند بر محیط های پیچیده و مغیر مسلط شده و به حیات خود ادامه دهند. ورنون^۱ (۱۹۷۳)، معرفی رسمی ایده سبک را در روان شناسی به آلپورت^۲ نسبت می دهد که برگرفته از نظریه تیپ های شخصیتی یونگ^۳ (۱۹۲۳) می باشد. اصطلاح سبک مترادف با توانایی نیست بلکه شیوه هایی برای بکارگیری توانایی است (استرنبرگ^۴، ۱۹۹۷). معنای لغوی اصطلاح « سبک تفکر » شیوه اندیشیدن و مدل فکر کردن می باشد. گرچه از نظر اصطلاح شناسی میان نظریه پردازان در زمینه سبک تفکر اختلاف نظر وجود دارد، اما همگی در این مورد اتفاق نظر دارند که افراد برای رمزگردانی (کدگذاری)، ذخیره و پردازش اطلاعات در ذهن، شیوه ثابت و متمایزی دارند که این شیوه متمایز از هوش است (اتکینسون^۵، ۱۹۹۸: صص ۱۹۴-۱۸۳).

سبک های تفکر، روش رجحان یافته یا غالب فرد در به کارگیری توانایی هایش است. افراد در چارچوب یک سبک محبوس نیستند بلکه قادرند سبک های خود را با موقعیت ها و تکالیف مختلف تغییر دهند (استرنبرگ و گریکونکو^۶، ۱۹۹۷). استرنبرگ می گوید: سبک های تفکر کمتر از آنچه که استحقاقش را داشته است مورد توجه قرار گرفته است و بیشتر بر عملکرد افراد اهمیت داده می شود. همچنین بیان می کند که انتخاب های زندگی مستلزم تناسب بین سبک های تفکر و توانایی هاست. آشنایی با سبک تفکر می تواند به افراد کمک کند تا نقاط قوت و ضعف خود را تشخیص دهند و بفهمند چگونه استراتژی های خود را در تصمیم گیری و حل مسئله گسترش دهند. این امر می تواند سبب کاهش تصمیمات اشتباه شود (زارعی، ۱۳۸۶).

در عین حال که بسیاری از مردم در یک موقعیت از یک سبک تفکر استفاده می کنند بسیاری به طور همزمان از سبک های ترکیبی و خطی مشی های دیگر استفاده می کنند. فردی که دارای یک سبک ترکیبی

¹ - Vernon

² - Jung

³ - Allport

⁴ - Sternberg

⁵ - Atkinson

⁶ - Grigorineko

است در برخورد با موقعیت ها، عقاید جدید را شکل می دهند (هریسون و برامسون، به نقل از امیدوار حسین جاری، ۱۳۸۶).

سبک های تفکر و نقش آنها در یادگیری و آموزش، در تحقیقات بسیاری بررسی گردیده است. سابقه تأثیرگذاری نظریه سبک ها بر یادگیری به اوایل دهه نود بر می گردد. در سال ۱۹۹۱ نظریه سبک های شناختی و پس از مدتی نظریه سبک های تفکر استرنبرگ، در آموزش و پرورش مطرح شد. هرمن^۱ (۱۹۹۶) بیان می کند، یادگیری زمانی به طور مؤثر واقع می شود که کل مغز درگیر فرآیند یادگیری شود. اگر فعالیت های آموزشی با مدل ترجیحی تفکر یادگیرنده، مطابقت داشته باشد، یادگیری تسهیل می شود (نقل از بوئر، ۲۰۰۱).

اسکروودور^۲ (۱۹۹۶)، معتقد است که در حال حاضر نیمرخ سبک های یادگیری دانش آموزان تغییر کرده و تنوع بیشتری را در دامنه سبک های ترجیحی یادگیری ملاحظه می شود. بنابراین درک سبک های یادگیری عاقلانه خواهد بود. بیرکی و رادمن^۳ (۱۹۹۵)، معتقدند که: میان روش های یادگیری و پردازش اطلاعات و چگونگی سبک های یادگیری و تفکر افراد، تفاوت های برجسته ای وجود دارد. بنابراین آگاهی از سبک های ترجیحی و متنوع دانش آموزان، برای یک معلم اهمیت بسیار دارد.

بر اساس نظریه استرنبرگ در جوامع مختلف سبک های متفاوت ارتباط متفاوتی با پیشرفت تحصیلی دارند. برای مثال، در جوامع غربی سبک های آزاد منشانه و قانون گذارانه و در جوامع شرقی سبک های محافظه کارانه و اجرایی پیش بینی کننده های بهتری برای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان هستند.

¹ -Herman

² -Scroeder

³ -Beirke And Radman

دینزلی و چرکی^۱ (۲۰۰۵) به نقل از فرخی (۱۳۸۳) رابطه میان سبک های تفکر را با رشته تحصیلی و جنسیت دانش آموزان بررسی کرد. نتایج این پژوهش حاکی از این بود که دانش آموزان پسر تمایل دارند که از سبک های تفکر قضایی و بیرونی استفاده کنند و دانش آموزان دختر تمایل دارند که از سبک تفکر اجرایی استفاده کنند.

محمد نریمانی، اسماعیل سلیمانی و عباس ابوالقاسمی (۱۳۷۷-۱۳۷۸) تحقیقی با عنوان مقایسه ابعاد درونی و بیرونی سبک های تفکر دانش آموزان نابینا و بینا انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک تفکر دانش آموزان نابینا و بینا تفاوت آماری معناداری وجود دارد. بطوریکه میانگین دانش آموزان نابینا در سبک تفکر درونی بیشتر از دانش آموزان بینا می باشد، ولی در سبک تفکر بیرونی میانگین دانش آموزان بینا بیشتر می باشد. همچنین تفاوت آماری معناداری بین سبک تفکر دانش آموزان دختر و پسر مشاهده نشد.

بیان مساله

استرنبرگ (۱۹۹۷)، سبک تفکر را چگونگی ترجیحات یک فرد برای توصیف تفکر معرفی کرده است. وی معتقد است که سبک تفکر مترادف با توانایی نیست بلکه روش های به کارگیری توانایی محسوب می شوند. استرنبرگ و ژانگ^۲ (۲۰۰۱)، میان سبک های یادگیری، سبک های شناختی و سبک های تفکر تمایز قائل شده اند.

سبک های یادگیری، چگونگی ترجیح های فرد برای یادگیری یک چیز یا یک موضوع می باشند (سیف، ۱۳۸۰). سبک های شناختی، روش های شناخت اطلاعات می باشند سبک شناختی یک رویکرد عاداتی

¹ - Dinzli And Cherki

² - Zhang

و ترجیحی فردی برای سازمان دهی و بازنمایی اطلاعات است (رایدینگ^۱، ۱۹۹۸ نقل از اسد زاده، ۱۳۸۴). سبک های تفکر روش رجحان یافته یا غالب فرد در به کارگیری توانایی هایش است. بنابراین سبک های تفکر نه خوب و نه بد هستند بلکه متفاوتند. همانطور که برای اداره جامعه راه های زیادی وجود دارد برای اداره یا مدیریت فعالیت های روزمره ما هم راه های زیادی وجود دارد و این راه های متفاوت اداره کردن فعالیت های یا به کارگیری توانایی ها سبک تفکر نام دارد (استرنبرگ، ۱۹۹۸). هر فرد نیمرخ از سبک های تفکر را دارد. یعنی میزان متفاوتی از هر سبک را نشان می دهد. یکی از مهمترین مسائلی که لازم است معلمان، مدیران و والدین نسبت به آن هوشیار و آگاه باشند وجود تفاوت در سبک های تفکر افراد است. عدم توجه به سبک های تفکر در موقعیت های متفاوت می تواند منجر به این شود که برخی از افراد، بهترین و با ارزش ترین استعداد ها و سرمایه های بالقوه شان نادیده گرفته شود (استرنبرگ، ۱۹۹۸).

در واقع استرنبرگ (۱۹۹۷)، پس از مرور، جمع بندی و گسترش نظریه های پیشین به ارائه نظریه سبک های تفکر پرداخت. قبلاً سبک های تفکر را به پنج گروه کلی: واقعگرا، آرمانگرا، عمل گرا، تحلیل گرا و تلفیقی تقسیم می کردند (گودنبرگ^۲، ۱۹۹۷). استرنبرگ با طرح نظریه خودگردانی ذهنی، این ایده را مطرح ساخت که افراد در برخورد با مسایل و موقعیت های جدید، شیوه هایی را بر شیوه های دیگر ترجیح می دهند. محتوای اصلی این نظریه نشان می دهد که انسان به صورت آگاهانه تفکر خود را سازماندهی می کند و بر خود حکومت می نماید. بنابراین روش های حکومتی که در حال حاضر بر جوامع جهانی حاکم است، ناشی از الگوه ها و شیوه های تفکر افراد حاکم می باشد. لذا می توان گفت که الگوه های تفکر مانند حکومت هادارای کنش، شکل، سطح، قلمرو و گرایش هستند (استرنبرگ، ترجمه اعتماد اهری و خسروی، ۱۳۸۰). در مجموع حکومت ها دارای سه نوع عملکرد هستند. اجرایی، قانون گذاری و قضایی. بخش اجرایی، اقدامات، خطی مشی ها و قوانین را که توسط بخش قانون گذاری وضع می شود، به اجرا در می آورد و بخش قضایی میزان دقت و صحت و

¹ - Riding

² - Godenberg

تطابق قوانین اجرا شده با قوانین وضع شده را مورد ارزیابی قرار می دهد. افرادی که دارای "تفکر قانون گذار"^۱ هستند، مایلند کارها را به شیوه ای که ترجیح می دهند انجام دهند و خود تصمیم می گیرند، که چه کاری انجام دهند و چگونه آن را به انجام برسانند. افراد قانون گذار دوست دارند، قوانین را خود وضع کنند و به مسائلی بپردازند که قبلاً طرح ریزی و سازماندهی نشده باشد. افراد با "سبک تفکر اجرایی"^۲ مایلند از مقررات پیروی کرده و کارهایی را به عهده بگیرند که از قبل طرح ریزی و سازماندهی شده است. آنها مایلند نقش خود را به جای خلق ساختارهای نو، در درون ساختارهای موجود ایفا نمایند. افرادی که دارای "تفکر قضاوتگر"^۳ هستند، مایلند قوانین و برنامه ها را ارزیابی کنند. آنها اموری را ترجیح می دهند، که در آن عقاید و امور موجود تحلیل و ارزیابی شود.

سبک های تفکر به خودی خود خوب یا بد نیستند بلکه افراد بایستی یاد بگیرند که در موقعیت های متفاوت سبک های خود را تغییر دهند. به طور مثال والدین لازم است یاد بگیرند که در برخی از موقعیت ها قانون گذارانه بودن بهتر از اجرایی بودن است و یا موقعیت هایی ایجاب می کند که افراد آزاداندیش باشند.

پژوهش های گوناگون نشان داده اند که سبک های تفکر با فرآیندهای خلاقیت، حل مسئله، تصمیم گیری، پیشرفت تحصیلی و... مرتبط هستند و عواملی همچون سن، جنسیت، فرهنگ، سطح تحصیلات، سابقه کار، سبک تفکر والدین و... سبک تفکر افراد را تحت تأثیر قرار می دهند (امامی پور و سیف، ۱۳۸۲: ص ۳۶). تاکنون ارزیابی غالب این بوده است که سبک های تفکر در حیطه مطالعات روانشناسی است، اما واقعیت این است که موضوعی میان علم روانشناسی و جامعه شناسی است (تریسی^۴، ۱۳۸۱: ص ۱).

هدف از پژوهش حاضر این است که دریابیم افراد با معلولیت شنوایی و بینایی چه تفاوتی هایی در سبک تفکر به صورت کلی و همچنین در سه کارکرد سبک تفکر دارند. هرگونه اشکال و نقص بدنی در افراد موجب

¹ - Lgaislative

² - Executive

³ - Judicial

⁴ - Tracey

برداشت و تصویر منفی آنان از خویشتن می گردد و بر کارایی و عملکرد آنان اثر منفی می گذارد. لذا با توجه به اینکه در زمینه سبک تفکر کودکان نابینا و ناشنوا و مقایسه وضعیت آنان در این زمینه تحقیق کمتری صورت گرفته است و در ایران تاکنون تحقیقی انجام نگرفته است این موضوع جهت این پژوهش انتخاب گردید.

اهمیت و ضرورت

شاید یکی از مهمترین مسائلی که لازم است والدین، معلمان و کارفرمایان نسبت به آن هوشیار و آگاه باشند وجود تفاوت در سبک های تفکر افراد است. عدم توجه به سبک های تفکر در موقعیت های متفاوت می تواند منجر به این شود که برخی از افراد، بهترین و با ارزش ترین استعداد ها و سرمایه های بالقوه شان نادیده گرفته شود (استرنبرگ، ۱۹۹۸). با توجه به اینکه نیروی انسان سالم، توانمند، سازنده و کارآمد برای هر جامعه و کشوری سرمایه عظیمی محسوب می گردد، آگاهی از سبک های تفکر ضروری به نظر می رسد. سبک های تفکر از جمله عوامل بسیار تأثیرگذار در یادگیری افراد به شمار می آیند.

به اعتقاد استرنبرگ (۱۹۹۸)، یادگیری انسان تماماً ناشی از سبک تفکر وی می باشد. پس نمی توان بدون توجه به سبک های تفکر، یادگیری و نحوه آموزش افراد را مورد توجه قرار داد. از دیگر ضروریات تحقیق این موضوع است که تاکنون پژوهشی در ایران بر روی سبک تفکر افراد نابینا و ناشنوا و مقایسه سبک تفکر آنها با افراد عادی انجام نشده است.

اهداف تحقیق

هدف کلی:

بررسی و مقایسه سبک تفکر دانش آموزان پسر دبیرستانی نابینا، ناشنوا و عادی شهر تهران.

اهداف جزئی:

۱- مقایسه سبک های تفکر قانون گذار، اجرایی و قضایی در میان دانش آموزان پسر دبیرستانی نابینا، ناشنوا و عادی شهر تهران.

۲- ارائه نتایج و داده های حاصله به مسئولین و برنامه ریزان مسائل آموزشی و پژوهشی.

۳- کسب رهنمود های جدید در جهت گسترش دامنه پژوهش های آتی در زمینه های مورد پژوهش.

سوالات تحقیق:

سوال اصلی:

آیا بین سبک تفکر دانش آموزان پسر دبیرستانی نابینا، ناشنوا و عادی شهر تهران تفاوت وجود دارد؟

سوالات فرعی:

آیا بین سبک تفکر دانش آموزان پسر دبیرستانی نابینا، ناشنوا و عادی شهر تهران در حیطه قانون گذارانه تفاوت وجود دارد؟

آیا بین سبک تفکر دانش آموزان پسر دبیرستانی نابینا، ناشنوا و عادی شهر تهران در حیطه اجرایی تفاوت وجود دارد؟

آیا بین سبک تفکر دانش آموزان پسر دبیرستانی نابینا، ناشنوا و عادی شهر تهران در حیطه قضاوتگرانه تفاوت وجود دارد؟

تعریف مفاهیم تحقیق

تعاریف نظری

سبک تفکر:

راه های متفاوت اداره کردن فعالیت ها یا به کارگیری توانایی ها را سبک تفکر می نامند. استرنبرگ (۱۹۹۷)، سبک تفکر را چگونگی ترجیحات یک فرد برای توصیف تفکر معرفی کرده است. وی معتقد است که سبک تفکر مترادف با توانایی نیست بلکه روش های به کارگیری توانایی محسوب می شوند.

سبک اجرایی:

افراد با سبک اجرایی مایلند از مقررات پیروی کنند و کارهایی را برعهده بگیرند که از قبل طراحی و سازماندهی شده است. آنها مایلند نقش خود را به جای خلق ساختارهای نو، در درون ساختارهای موجود ایفا کنند. (استرنبرگ، ۱۹۹۸).

سبک قانون گذارانه:

افرادی که دارای سبک قانون گذارانه هستند، مایلند کارها را به شیوه ای که ترجیح می دهند و خود تصمیم بگیرند، که چه کار را انجام دهند و چگونه آن را انجام دهند. افراد قانون گذار دوست دارند، قوانین را خود وضع کنند و به مسائلی بپردازند که قبلاً طرح ریزی و سازماندهی نشده باشند (استرنبرگ، ۱۹۹۸).

سبک قضایی:

افرادی که دارای تفکر قضاوتگر هستند، مایلند قوانین و برنامه ها را ارزیابی کنند. آنها اموری را ترجیح می دهند، که در آن عقاید و امور موجود تحلیل و ارزیابی شود. فردی که دارای تفکر قضاوتگر است، فعالیت هایی مانند نوشتن مقالات انتقاد آمیز، ارائه عقاید، قضاوت در مورد افراد و کارهای آنان و ارزیابی برنامه ها را ترجیح می دهند (استرنبرگ، ۱۹۹۸).

نابینایی:

نابینا^۱ کسی است که دید بینایی او علی رغم برخورداری از امکانات چشم پزشکی مانند عینک و غیره در یک چشم یا هر دو چشم ۲۰/۲۰ باشد یا به عبارت دیگر آنچه را که با چشم عادی می توان در ۲۰۰ پایی یا حدود ۷۰ متری دید فرد نابینا با تعریف فوق در ۲۰ پایی یا حدود ۷ متری می بیند. باراگا^۲ (۱۹۷۶)، کودکانی را نابینا می داند که فقط توانایی ادراک نور را دارند و لذا برای آموزش خواندن به آنان باید از خط بریل و روش های مشابه و بدون استفاده از حس بینایی استفاده کرد (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۳).

ناشنوایی:

فیرسینا^۳ (۱۹۷۴)، ناشنوا^۴ فردی است که با استفاده از وسایل کمکی یا بدون بهره گیری از آنها نمی تواند گفتار دیگران را از طریق شنوایی بشنود. به عبارت دیگر میزان ناتوانی حس شنوایی این افراد ۷۰ دسی بل یا بیشتر است و لذا از فراگیری زبان پیرامون خود از طریق حس شنوایی یادگیری شده محروم می باشند. به لحاظ مقاصد آموزشی چنین افرادی نمی توانند از برنامه ها و کلاس های مدرسه عادی استفاده کنند (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۳).

¹ - Blind

² - Barraga

³ - Firsina

⁴ - Deaf

تعاریف عملیاتی

سبک تفکر: سبک تفکر بر اساس نمره ای که دانش آموزان از پاسخ‌هایی که به پرسشنامه سبک تفکر استرنبرگ و واگنر^۱ (۱۹۹۱)، به دست می‌آورند مشخص می‌شود. دانش آموزان با توجه به نمره ای که بدست می‌آورند در یکی از طبقات سه گانه اجرایی، قانون گذارانه و قضایی جای می‌گیرند.

سبک اجرایی:

در این تحقیق آن سازه ای است که توسط سؤالات شماره (۲، ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸)، پرسشنامه سبک تفکر استرنبرگ و واگنر سنجیده می‌شود.

سبک قانون گذارانه:

در این تحقیق آن سازه ای است که توسط سؤالات شماره (۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶)، پرسشنامه سبک تفکر استرنبرگ و واگنر سنجیده می‌شود.

سبک قضایی:

در این تحقیق آن سازه ای است که توسط سؤالات شماره (۱۸، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۴)، پرسشنامه سبک تفکر استرنبرگ و واگنر سنجیده می‌شود.

نابینایی:

در این تحقیق دانش آموزانی نابینا محسوب می‌شوند که قادر به استفاده از کتب و برنامه های عادی آموزش و پرورش نبوده و نیاز به امکانات ویژه ای (مانند ماشین پرکینز، خط بریل و...) دارند و در مدارس استثنایی نابینایان تحصیل می‌کنند.

¹ - Wagner